

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۲۴

جمعه ۵ مهر ۱۳۹۲، ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۳

نتیجه انتخابات در آلمان، موفقیت مارگارت تاچر آلمان

نازنین برومند

صفحه ۷

آخرین اخبار از شش زندانی محکوم به اعدام از قزل حصار

صفحه ۱۰

همزمان با وراجی های روحانی درباره دنیای بدون خشونت، در زاهدان جوان ۲۳ ساله سخته کرده را به دار کشیدند!

صفحه ۸

گزارش یکی فعال علیه اعدام از مقابل در زندان رجایی شهر

صفحه ۱۱

ملاقات با یکی از مسئولین مبارزه با خشونت بر علیه زنان سازمان ملل در ژنو

صفحه ۱۲

تحولات سیاسی در ایران

میزگرد در تلویزیون کانال جدید
با شرکت شهلا دانشفر، اصغر کریمی، کاظم نیکخواه

همچنان پابرجاست. جمهوری اسلامی حکومتی است که هویت خودش را يك حکومت ضد آمریکائی و ضد غربی و ضد "شیطان بزرگ" و امثال اینها تعریف کرده، صفوفش را اینگونه بار آورده و بهرحال دور هم نگه داشته (همانقدر که توانسته نگهدارد)، و جامعه را از این سر مورد تعرض قرار داده است. عقب نشینی این حکومت از این سیاست میتواند کل توازن را که از این زاویه ایجاد کرده (اگر بشود اسمش را توازن گذاشت) به زیان این حکومت بهم بزند. اینک میگویید درست است. هر دو طرف دارند از "ترمش"، از

صفحه ۲

مدتهاست که داغ است اما الان با توجه به اینکه روحانی آمده سرکار و خامنه ای "ترمش قهرمانانه" را مطرح کرده، رسانه های غربی و مفسرین زیادی تصویری که میدهند اینست که گویا جمهوری اسلامی میخواهد عقب بنشیند و آمریکا و شرکا هم آماده مذاکره هستند. من اینطور فکر میکنم که هر دو طرف بطور واقعی این خواست و گرایش را دارند که با هم به توافق برسند. و بویژه جمهوری اسلامی بخاطر تحریمها، بخاطر انزوای بین المللی اش، بخاطر فضایی که در داخل ایران علیه اش وجود دارد، میخواهد يك مقداری اوضاع عادی تر بشود. ولی بنظر من معضلات و تناقضاتی که از اول در این رابطه وجود داشت

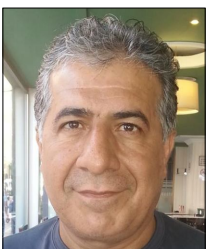
شهلا دانشفر: تا آنجا که به جمهوری اسلامی مربوط میشود يك معضل قدیمی این حکومت رابطه با غرب و آمریکا بوده است. الان هم بر سر مذاکره جمهوری اسلامی بحثهای داغی در جریان است. بنابراین اجازه دهید از همینجا شروع کنم. میدانید که جنجالها و هیاهوی زیادی بر سر این موضوع در جریان است و در واقع يك پلاتفرم اساسی روحانی همین عادی کردن رابطه با غرب بوده است. ارزیابی شما در این رابطه چیست؟ چه در رابطه با جمهوری اسلامی چه در رابطه با غرب؟
کاظم نیکخواه: موضوع داغی که مطرح است بحران اتمی جمهوری اسلامی است که البته



روحانی و بازار داغ حرف مفت

کاظم نیکخواه

صفحه ۳



معنای سیگنالهای روحانی واوباما به همدیگر

محمد آسنگران

صفحه ۴



"پیرامون" لایحه جرم سیاسی مجلس رژیم!

محمد شکوهی

صفحه ۷

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

تحولات سیاسی در ایران

میز گرد در تلویزیون کانال جدید با شرکت شهلا دانشفر، اصغر کریمی، کاظم نیکخواه

"سازش" از نزدیک شدن و امثال اینها صحبت میکنند. اما این شروع یک مذاکره است. اینها قبلاً زیاد مذاکره کرده اند. اما معضلات و موانع زیادی سر راهشان وجود دارد.

شهلا دانشفر: اصغر کریمی شما چه ارزیابی ای دارید؟ کاظم نیکخواه میگوید مشکلات و معضلات جدی دارند. آیا به این معناست که چنین مذاکراتی امکان نیست؟

اصغر کریمی: مذاکره ممکن است. حتی توافقاتی هم در چهارچوب محدودی ممکن است. کاظم نیکخواه توضیح داد که این مساله هم برای جمهوری اسلامی هم غرب مطلوبیت هائی دارد. دوره جنگ طلبی و دخالت نظامی بدرجه زیادی تمام شده است. نه اینکه احتمالش اصلاً نیست ولی نسبت به دوره های قبل خیلی ضعیف تر شده است. پس غرب مجبور است بجای راه حل نظامی با راه حل دیگری به میدان بیاید. جمهوری اسلامی هم بدلیل اقتصاد درهم شکسته، تنگناهای شدید، خطر خیزش های توده ای، انزوای بین المللی و ... در شرایط دشواری قرار گرفته و اینها خطر سقوطش را نزدیک کرده است و به جایی رسیده که مجبور است جام زهر را سر بکشد. قبلاً اینطور حرف نمی زدند، نفس کلمه مذاکره را نمیتوانستند به راحتی به زبان بیاورند ولی الان نه تنها از مذاکره بلکه از نرمش و اعتدال در مقابل دولت آمریکا حرف میزنند. اما تا موقعی که حکومت اسلامی سر کار است خصومتش با غرب و تنش های فیما بین ادامه پیدا میکند. خصومت با غرب و پز ضدآمریکائی یک مساله هویتی و ایدئولوژیک است برای جمهوری اسلامی و مطلقاً نمیتواند این مشکل را بطور جدی حل و فصل کند. بهرچه با غرب سازش کند

از یکطرف رابطه اش با حزب اله و امثالهم ضعیف میشود و از طرفی در داخل کشور هم مردم بدرست آنرا به حساب شکست جمهوری اسلامی میگذارند و با خواست های سیاسی و فرهنگی شان خیلی جدی تر به میدان میایند. در نتیجه جمهوری اسلامی بشدت با احتیاط رفتار میکند و اگر نهایتاً مذاکره کنند و خوب کارشان پیش برود در بهترین حالت در چهارچوب محدودی در زمینه اتمی و برخی مسائل منطقه ای ممکن است به سازش ها و توافقاتی برسند.

شهلا دانشفر: نکات شما درست. همانطور که گفتید برای جمهوری اسلامی به معنای نوشیدن جام زهر است. اما غرب مدتهاست که دنبال چنین فرصتی هست که جمهوری اسلامی را سر میز مذاکره بنشانند. سنگ روی سنگ بند نیست. و بقول کاظم نیکخواه کل سران جمهوری اسلامی علاقه دارند که پای میز مذاکره بروند. چون در موقعیت سختی گرفتار شده اند. با توجه به اینها در مورد مذاکراتشان چه فکر میکنید؟

اصغر کریمی: اولاً بخاطر همین شکست ها و تنگناها موقعیت خامنه ای و جناح تندرو جمهوری اسلامی بشدت ضعیف شده و در نتیجه امکان رابطه با غرب بیشتر فراهم است. اگر تحریم ها کمی کاهش پیدا کند تازه مثل چهار سال پیش میشود که تنش کم نبود ولی همین هم ساده نیست و باید دید روند مذاکره و شکاف های درون جمهوری اسلامی در این مساله به کجا میرسد. همین درجه نرمش هم برای برخی محافل حکومت اسلامی قابل پذیرش نیست. در نتیجه تنش ها و تحریم ها و خطر جنگ تا زمانی که جمهوری اسلامی سر کار است ادامه پیدا

میکند و بطور جدی قابل حل نیست. **شهلا دانشفر:** کاظم نیکخواه شما در این رابطه چه میگویید؟ اصغر کریمی میگویند تحریمها شاید یک مقداری کاهش یابد. خوب این به نفع مردم است. چون دود تحریمها به چشم جامعه میرود. کارخانه پشت کارخانه تعطیل میشود. شما چه توضیحی دارید؟

کاظم نیکخواه: بحث این نیست که چقدر به نفع مردم هست یا نه. چون این بحث دیگری است. بنظر من هر دو طرف در عین حال که میخواهند به سازش برسند، برای رسیدن به سازش معضل دارند. به جمهوری اسلامی و معضلاتش اشاراتی شد. غرب چه معضلاتی دارد؟ وقتی صحبت از "غرب" میشود یک موجودیت یکپارچه نیست. یکی دولت آمریکا است که بیشترین فشار را برای عملی شدن تحریمها وارد کرده است. محاصره اقتصادی از جانب آمریکا در سطح بین المللی صورت گرفته و اعمال شده. بعد اروپا را هم دنبال خودش آورده است. این دولت آمریکا است که یک کنترل بین المللی گذاشته روی تمام کشورها که محاصره اقتصادی کامل بشود. حال فرض کنیم که جمهوری اسلامی بیاید و از سیاست اتمی اش عقب بنشینند. ظاهراً آمریکا هم باید بگوید که بسیار خوب ما هم تحریمها را کنار میگذاریم و با هم کنار بیایند. ولی این ظاهر مساله است. برای آمریکا تمام شدن تحریمها و کنار رفتن مساله اتمی یعنی اینکه اوضاع به چهار سال قبل برگردد اصلاً مطلوب نیست. این معنی اینست که آمریکا در ایران کاره ای نخواهد بود. یک بازار مهمی از نظر اقتصادی آنجا وجود دارد. نیروی کار ارزانی

وجود دارد. از نظر استراتژیک یک منطقه بسیار مهم در خاورمیانه و منطقه است و بعد آمریکا در این جا جایی ندارد. و این منطقه یعنی ایران شده حیات خلوت روسیه و چین و بخشا ژاپن و بدرجه ای اروپا. تنها کشوری که جایی در ایران ندارد (حداقل در ظاهر جایی ندارد) و باید مخفیانه و از پشت یک اعمال نفوذهایی بکند آمریکا است. خودتان را جای او باما بگذارید. خودتان را جای هیئت حاکمه آمریکا بگذارید. میگویند ما اینهمه فشار آوردیم و اینهمه کار کردیم که روسیه و چین بروند در ایران سرمایه گذاری کنند و از بازار آن بهره مند شوند؟ تازه حکومت اسلامی علیه آمریکا در همه جا موش دوانی کند و مرگ بر آمریکا بگویند و در عراق و سوریه و لبنان و همه جا پا توی پای دولت آمریکا بدهند؟

آمریکا حرف اساسیش با جمهوری اسلامی اینست که یا در همه زمینه ها یعنی سیاستها، شعارها، سیاست اقتصادی و دیپلماسی بین المللی عقب می نشینی یا فشار ادامه پیدا میکند. این کنه سیاست آمریکا در قبال جمهوری اسلامی است که گرچه بزبان نمی آورند اما بر این اساس عمل میکنند. و آمریکا در این فشارها الان نیروی اصلی است و دست بالا را دارد.

از طرف دیگر جمهوری اسلامی هم کل هویتی که این چندسال برای خودش تعریف کرده که ما ضد ارزشهای غربی، ضد فرهنگ غربی، ضد هرچیز غربی هستیم، همه اینها را باید جلوی چشم مردم کنار بگذارند. که برایش عملی نیست. یعنی آن دعوا و کشاکشی که از اول روی کار آمدن جمهوری اسلامی شروع شده بود الان در قالب بحران اتمی خودش را بیان میکند. بحران اتمی کنار پرود یک چیز دیگری جایش را میگیرد.

شهلا دانشفر: اجازه بدهید برویم سراغ یک سوال دیگر. یکی از پلاتفرمهای روحانی یا یکی از شعارهایش "اعتدال" است. منظور از این اعتدال بخش اصلیش رابطه با غرب و آمریکا است. اما این چقدر رو به مردم ایران معنی دارد؟

اصغر کریمی: بنظر من نرمش قهرمانه علی خامنه ای کرش در مقابل غرب و جام زهر را لااقل تا نیمه سرکشیدن است. اعتدال روحانی هم اساساً به رابطه با غرب برمیگردد و در شروع سخنرانی اش در سازمان ملل هم اشاره اش به این اعتدال چراغ سبز به غرب بود. اما در عین حال دیوار خیلی بلندی بین رابطه با غرب و مردم نیست. کلاً بن بست هائی وجود داشت که باعث شد روحانی سر کار بیاید و خامنه ای هم مجبور شد با انتخاب روحانی کنار بیاید، معنی اش این بود که خامنه ای در واقع جام زهر را قبلاً بالا کشیده و تغییراتی را پذیرفته است. چون روحانی به رفسنجانی بیشتر نزدیک است و با خامنه ای در برخی مسائل مواضع متفاوتی دارد. روحانی میخواهد ادعا کند که تغییراتی قرار است در مقابل مردم ایجاد کند، مثلاً به دانشجویان "ستاره دار" گفته اند میتوانند مراجعه کنند و تعدادی از زندانیان سیاسی، عمدتاً ملی اسلامی، را با هر توجیهی آزاد کرده اند و مجبورند بخاطر فشار اعتراضات وسیع مردم "اعتدال" نشان بدهند. هرچند از یکطرف هم دارند اعدام ها را گسترش میدهند.

شهلا دانشفر: به این قسمت بر میگردیم. بیشتر منظورم این بود که این "اعتدال" چقدر در برخورد جمهوری اسلامی با مردم قرار است تغییر ایجاد کند؟

اصغر کریمی: همین را میخواهم بگویم که در زمینه داخلی هم ضمن اینکه از یک طرف اعدام میکنند و سرکوب میکنند و سیاستهایشان را ادامه میدهند، اما در یک زمینه هایی مجبورند در برابر جامعه ای که از همه طرف دارد صدای اعتراض بلند میشود، خیلی با احتیاط یک مقداری "اعتدال" نشان بدهند.

شهلا دانشفر: من همین نکته آخر اصغر کریمی را طرح میکنم. از یک طرف دارند سرکوب میکنند، گشتهای ارشاد را به خیابانها فرستاده اند، به زنان

روحانی و بازار داغ حرف مفت

کاظم نیکخواه

چقدر دارند می‌بافند که بزودی سازش و صلح بین جمهوری اسلامی و آمریکا و غرب برقرار خواهد شد. چقدر وعده می‌دهند که سه ماهه به توافق میرسیم. و چقدر آینده برای جمهوری اسلامی و اپوزیسیون بی مقدار ملی - اسلامی و توده ای و اکثریتی اش روشن بنظر میرسد! یک آخوند کهنه کار جمهوری اسلامی جلوی صحنه آمده است. و همه چیز درست شده است. جالب نیست؟ چرا قبلا این‌ها نفهمیده بودند که کسی مثل روحانی لازم است تا همه مشکلات و معضلات و کشاکشهای جمهوری اسلامی و غرب را حل کند؟ راستی چرا خود روحانی آن موقعی که در راس هیئت مذاکره کننده ایران بود نتوانست مشکلی را حل کند؟ شاید قدرت نداشته است. بازار مکاره سیاستبازان بورژوا جالب است. بازار حرف مفت! بازار ریاکاری و دروغ. بازار سطحی گری و خود فریبی و مردم فریبی. بازار خاک پاشیدن به چشم مردم برای فکر نکردن به فردا، یک هفته دیگر و یا سه ماه و چهار ماه دیگر. بطور واقعی هم همین بازی‌ها قدری کار خود را از نظر اقتصادی کرده است. هنوز هیچ نشده قیمت دلار در برابر ریال کمی پائین آمده، تحریمها کمی شل شده، دولتهای غربی سیگنالهای خوبی به جمهوری اسلامی می‌دهند، و حتی دولت کانادا که چندماه پیش زمینه محاکمه سران جمهوری اسلامی را به جرم جنایت علیه بشریت آماده میکرد، اخیرا به یکی از فعالین چپ قدیمی بنام جابر کلیبی که هشت سال در کانادا و حدود ۲۰ سال در فرانسه مقیم بود به دلیل تبلیغ سرنگونی جمهوری اسلامی (دقت کنید!) حکم دیپورت داد! اما همه این جنجال فقط

آرزوهایی است پا در هوا. حتما مذاکره خواهند کرد. حتما طرفین آوانسهای خواهند داد و عقب نشینی‌هایی خواهند کرد. چون از انصاف نگذریم هر دو طرف دوست دارند این کشاکش تمام شود. دوست دارند موانع جریان سرمایه به ایران و از ایران به غرب برداشته شود. پولهای زیادی میتواند از این جریان به جیب آخوندهای میلیاردر و کراواتی‌های مولتی میلیاردر در غرب سرازیر شود. واردات و صادرات و سود و بانک و اشیاء لوکس و همه اینها وضعیتشان گویا توپ میشود. آخر این اسلحه اتمی لعنتی و این حقوق بشر لعنتی همه اش بهانه است. اگر جمهوری اسلامی سر عقل بیاید چه ایرادی دارد چهارتا بمب اتمی هم داشته باشد و ۱۵ نفر را هم در روز اعدام کند؟! فرق ایران مگر با پاکستان و کره شمالی و ده تا کشور مشابه دیگر چیست؟ کاشکی اوضاع اینقدر پیچیده نبود!

اما باور کنید اوضاع بسیار پیچیده تر از این حرفاست. معادلات و مصالح زیادی این وسط مطرح است که با هم جور در نمی‌آید. بگذارید چند تا را فقط اشاره کنیم. اولاً: آمریکا اینهمه "زحمت" نکشیده است که اوضاع به قبل از مساله اتمی برگردد که خودش از خوان یغمای ایران محروم باشد و ایران مجدداً به مرکز بهره برداری اقتصادی گسترده چین و روسیه و همچنین مرکز نفوذ سیاسی و دیپلماتیک این دو کشور و بدرجه ای دولتهای اروپایی تبدیل شود و در عراق و لبنان و جاهای دیگر پا توی کفش آمریکا بگذارد. آمریکا مطلقاً این را نخواهد و بهیچ وجه پایش را به این دلیل به این ماجرا نگذاشته است. بلکه برعکس میخواهد به این وضعیت خاتمه دهد. برای دولت

نمیتواند یک چرخش ۱۸۰ درجه ای بکند و آمریکا را در آغوش بگیرد. هر عقب نشینی این حکومت میتواند زبان مردم را دراز کند و کار به جاهای باریکی مثل خیزش سال ۸۸ بکشد و کل موجودیت جمهوری اسلامی را زیر سوال ببرد. میتواند دست اندرکاران حکومت را که به خون یکدیگر تشنه هستند به جان هم بیندازد و سنگ روی سنگ بند نشود. ثالثاً یک مشت تروریست اسلامی در لبنان و سودان و سومالی و عراق و کل جریانات "ضد امپریالیست" طرفدار جمهوری اسلامی سرمایه‌های مهمی برای حکومت اسلامی هستند که اگر این حکومت در برابر آمریکا خیلی عقب بنشیند اینها همه باد هوا میشود. و این جریانات از عصبانیت ممکن است خشمشان را به جای آمریکا بسوی جمهوری اسلامی نشانه روند. به همین چند نکته که هنوز

تمام نکات نیست اگر توجه کنید متوجه میشوید که راه پرسنگلاخی پیش روی جمهوری اسلامی و روحانی و اپوزیسیون ملی اسلامیش قرار دارد. همانگونه که اشاره شد حتما مذاکراتی دوباره شروع میشود و بده بستانهایی در سطحی معین خواهد شد. اما کشاکش و رجزخوانی تمام نخواهد شد. فکر میکنم تا زمانی که این حکومت سرکار است مردم ایران هم باید پیه جنگ و کشمکش در سطوح مختلف میان این حکومت و دولت آمریکا و دولتهای غربی را به تن بمالند. این نزاعها همانطور که بارها اتفاق افتاده، میتواند به جاهای بسیار خطرناک و باریک هم بکشد. و در نتیجه این مردم ایران هستند که باید کار این حکومت و این کشاکشهای خطرناک را تمام کنند. طبعاً هرکس مختار است طور دیگری فکر کند. ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۳*

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

معنای سیگنالهای روحانی اوپاما به همدیگر

"نرمش قهرمانانه" اسم رمز کوتاه آمدن از سر ناچاری برای کوتاه مدت است

محمد آسنگران

از روزی که کلمات "نرمش قهرمانانه" از زبان خامنه ای آمده است تا کنون تفاسیر متفاوتی از آن شده و حسن روحانی هم هماهنگ با بیت رهبری و با احتیاط تفسیر خودش را در نیویورک و در اجلاس سازمان ملل بیان کرد. اگر بپذیریم که "نرمش قهرمانانه" خامنه ای همان جام زهر خمینی با درجه ای از احتیاط است، معنی زمینی و سر راست آن کوتاه آمدن از سر ناچاری است. بحث این است که نه خمینی میخواست جنگ تمام شود و نه خامنه ای میخواست رابطه با غرب را امری مجاز بداند. آنچه در هر دو مورد اتفاق افتاده است اتخاذ سیاستی از روی ناچاری است. البته این بار ناچاری اگر تاکتیکی و موقتی نباشد فلسفه کل نظام را زیر سوال میبرد. جام زهر خمینی ابعاد تاثیراتش تمام شدن جنگ بود چون توان پیروزی را نداشتند و بن بست تمام و کمال بر جبهه های جنگ حاکم شده بود. در عین حال تلفات جانی و خسارت اقتصادی آن مرتب بالا میرفت. خمینی با نوشیدن جام زهر این بن بست را شکست و جنگ تمام شد و حاکمیت اسلامی بیمه عمرش را با آن جام زهر پرداخت. اما این بار "نرمش قهرمانانه" نه امری تاکتیکی که سیاستی استراتژیک است. این نرمش میتواند برای جمهوری اسلامی بسیار کشنده و سرنوشت ساز باشد. اگر جمهوری اسلامی بخواهد این سیاست را تا آخر ادامه بدهد نتیجه ای جز اضمحلال جمهوری اسلامی و متلاشی شدن و پایان قطعی

جنش اسلام سیاسی ندارد. سرنوشت "نرمش قهرمانانه" چیزی بجز فروپاشی خلافت اسلامی نیست. به همین دلیل اولاً: اتخاذ این سیاست موقتی است. دوماً: اگر جمهوری اسلامی بخواهد تا آخر خط برود باید شیطان بزرگ را به عنوان ناجی بپذیرد و از جریانات جنبش اسلامی و تروریست فاصله بگیرد و از جبهه روسیه و چین به جبهه آمریکا و غرب نقل مکان کند. در حالت دوم دگردیسی چنان عمیق و وسیع خواهد بود که دیگر اسم آن حکومت را نمیتوان جمهوری اسلامی گذاشت.

مفسران سیاسی هر کدام آرزوهای کوتاه بینانه خود را به اسم تفسیر و تعبیر از این واژه که قرار است اسم رمز سیاست خارجی جمهوری اسلامی باشد را بیان کرده اند. با این حال همه مفسران توافق دارند که عادی شدن روابط ایران و آمریکا به نفع دو طرف است و به قول روحانی معامله "برد- برد" را باید دنبال کنند. مفسران عمدتاً توافق دارند که عادی سازی روابط دو دولت ایران و آمریکا راه نجات اقتصاد ایران است.

اما در این فضای داغ تفسیر و تعبیر، مفسران يك حقیقت ساده را ندیده و یا کتمان کرده اند که اگر رابطه و دوستی با آمریکا تا این حد نجات دهنده است چرا کشورهایی که دوست و نزدیک آمریکا بودند و هستند نتوانسته اند نجات پیدا کنند. مگر دوست نزدیکتری از مبارک و بن علی برای آمریکا پیدا میشود؟ همین فاکتور به ما میگوید راه نجات اقتصاد ایران نه هدف بلافضل رژیم اسلامی است و نه در

اولویت این سیاست تازه اعلام شده خامنه ای قرار دارد.

من معتقدم هدف رژیم اسلامی از اتخاذ این رویکرد تازه همچنان سیاسی است. هدف این است که جمهوری اسلامی در قدم اول از انزوا خارج بشود، تحریمهای اقتصادی برداشته بشود، موضوع بحران اتمی حاشیه ای بشود تا شرایطی فراهم گردد که اهداف استراتژیک دیگری دنبال شود. هدف این است که جمهوری اسلامی خود را به عنوان يك قدرت منطقه ای به رقبای منطقه ای و جهانی اش تحمیل کند. قبول احتمالی این مولفه از جانب غرب زمینه اینرا فراهم میکند که جمهوری اسلامی هم به عنوان شریک در بازار جهانی پذیرفته شود و هم دولتهای منطقه این قدرت منطقه ای و این تحول تحمیلی را بپذیرند. اگر فعلاً و در این سطح بحث فاکتور اعتراضات داخلی را نادیده بگیریم، این تنها راه نجات جمهور اسلامی است.

سوال این است: آیا این امر ممکن است؟ آیا غرب تا این حد عقب نشینی میکند؟ آیا دولتهای منطقه از جمله ترکیه و عربستان تا این حد تضعیف شده و شکست را پذیرفته اند که این معامله به انتها برسد؟ پاسخ من به همه این سوالات به دلایل متعددی منفی است.

اولاً در تعادل قوای فعلی این جمهوری اسلامی و جنبش اسلام سیاسی است که دوران افول خود را طی میکنند و دلیلی برای ابراز وجود تازه و قدر قدرتی آنها موجود نیست. ثانیاً غرب به این قناعت رسیده است که تحریمهای اقتصادی و انزوای بین المللی،

جمهوری اسلامی را ناچار کرده است کوتاه بیاید و سیاست "نرمش قهرمانانه" را در پیش گیرد. بنابراین این تا رسیدن به اهداف خود دست بردار آن نخواهند بود. ثالثاً قدرتهای منطقه ای مانند ترکیه و تا حدی عربستان از امکانات و اهرم فشارهای بسیار بیشتری به نسبت جمهوری اسلامی برخوردار هستند و دلیلی ندارد در مقابل جمهور اسلامی کوتاه بیایند. همه این فاکتورها دلالت بر آن دارند که این سیاست جمهوری اسلامی راه نجاتی به حاکمان تهران نشان نمیدهد.

علاوه بر فاکتورهای فوق، انقلابات منطقه و سرنوشت جریانات اسلامی سنی از نوع اخوانی آن سرنوشت دلگرم کننده ای برای جمهوری اسلامی نیستند. (هر چند القاعده و اخوانیها، اسلام سیاسی از نوع شیعه آن در ایران و عراق را رقیب خود میدانند)، در ابعاد جهانی هم دولتهای غربی با توجه به

خروج قدم به قدمشان از بحران اقتصادی آن چنان در تنگنا نیستند که بخواهند امتیازی به جمهوری اسلامی بدهند. همه این فاکتورها به ما نشان میدهند که سرنوشت جمهوری اسلامی و ارسال سیگنال به اوپاما و غرب آن چنان قوی و پایدار نیست که سیگنالهای اوپاما هم موثر واقع شود.

این سیگنالها موزیک رقص تانگویی اوپاما و روحانی است. اما اهمیتی در باهم رقصیدن آنها نیست. آنچه مهم است هر کدام از اینها اهدافی جداگانه تعقیب میکنند. قرار است در پایان رقص یکی تسلیم و دیگری پرچم پیروزی را به اهتزاز در آورد. جمهوری اسلامی اهرم فشاری برای پیروزی ندارد. تنها انتخابش این است که تمایل به رقصیدن را به شکل سیگنال بفرستد، اما همزمان به فکر طرح و برنامه های بعد از این شتر سواری دولا دولا است.*

ما آن گرایشی در جنبش کارگری هستیم که طبقه کارگر را صاحب صلاحیت و موظف به دخالت اجتماعی در مقیاس وسیع، در قلمرو اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ایدئولوژی میداند و میخواهد کارگر در قامت ارانته کننده آنترناتیوی برای کل جامعه بشری ظاهر شود. افق، نقد اجتماعی، تنوری، اتحاد برای انقلاب اجتماعی از نظر ما مهم است، همانطور که افزایش دستمزد، بیمه بیکاری، آزادی اعتصاب و متحد شدن برای بهبود اوضاع اقتصادی و سیاسی اقشار کارکن جامعه در هر مقطع برای ما مهم است. هر یک از این وجوه مبین بعدی از حیات و مبارزه و ابراز وجود طبقه کارگر است و از نظر ما قابل تفکیک و قابل چشم پوشی نیست. تمام آن گرایشات اجتماعی، اعم از کارگری و غیر کارگری که این کلیت را میشکنند، که انقلاب اجتماعی را از کارگر و کارگر را از انقلاب اجتماعی دور نگاه می دارند، باید زیر انتقاد ما باشند.

منصور حکمت - مبانی و چشم اندازهای حزب کمونیست کارگری - تیرماه ۱۳۷۱، کارگر امروز

تحولات سیاسی در ایران

تعرض میکنند، اعدامها را افزایش میدهند، از طرف دیگر هم پرونده دانشجویان "ستاره دار" را میگویند داریم بررسی میکنیم که دوباره به دانشگاه برگردند. تعدادی زندانیان سیاسی را آزاد کرده اند. این تناقض نیست؟ این را چگونه توضیح میدهند؟

کاظم نیکخواه: داریم از یک موضوعی صحبت میکنیم که سرتاپایش "تناقض" است. این هم از همان تناقضات است. واقعیت اینست که همانطور که اصغر کریمی گفتند یک بخش از سیاستهای جمهوری اسلامی شکست خورده است. و دارند تلاش میکنند که سیاستهای دیگری را امتحان کنند. اما خود این سیاستها هم قبل تر از این شکست خورده است. قبلا دوره خاتمی را داشتیم که سیاست "گفتگوی تمدنها" و "دیالوگ با غرب" یک پای اصلیش بود. و در ایران هم گفتند روزنامه های "خودی" آزاد شوند. زندانیان یک تعدادی آزاد بشوند و غیره و غیره. و در همان دوره قتلهای زنجیره ای صورت گرفت و یک عالمه جنایات دیگر. اولاً جناحهای مختلفی در جمهوری اسلامی هست که پا تو پای همدیگر میدهند. ثانیاً این طوری نیست که روحانی طرفدار اعتدال است و خامنه ای طرفدار سرکوب است. روحانی از سران جمهوری اسلامی از اول تشکیکیش بوده است. یکی از بنیانگذارانش بوده است. و میداند که بطور جدی سرکوب را لازم دارند. اعدام را لازم دارند. دانشجو را ستاره دار کردن لازم دارند. و گرچه جمهوری اسلامی نمیتواند سرکار بماند. بنابراین چکار باید بکنند؟ یک شل کن سفت کنهایی است که تلاش میکنند ببینند عکس العمل جامعه چیست. این حکومت با یک موج وسیع انزجار و نفرت مردم مواجه است. خیزش سال ۸۸ یک اتفاق و تصادف نادر نبود. یک استثنا نبود. جامعه در وضعیتی است که همین امروز یا فردا میتواند بلند شود و صد

درجه قدرتمند تر از ۸۸ دست به انقلاب بزند و کل جمهوری اسلامی را جارو کند. و سران جمهوری اسلامی اینها را میدانند و فکر میکنند اگر کشتار و اعدام میتوانست مساله را حل کند تا حالا حل کرده بود. و مثلاً سال ۸۸ اتفاق نمی افتاد. اگر یادتان باشد همان سال ۸۸ داشتند مانور ضد اعتصاب و ضد شورش میگذاشتند و میگفتند میزیم و سرکوب میکنیم که یک مرتبه فوران کرد جامعه. بنابراین می گویند یک مقداری هم عقب نشینی را امتحان میکنیم. این واقعیت جمهوری اسلامی است که متناقض است.

اصغر کریمی: اجازه دهید من هم همینجا نکته ای را اضافه کنم. اینطور نیست که جمهوری اسلامی مثلاً نقشه کشیده که در زمینه سیاست داخلی فلان میکنیم و در زمینه اتمی فلان. اینها در یک بن بست عمیق گرفتار شده اند و بدرجه ای که فشار مقابلهشان باشد عقب رانده میشوند اما سعی میکنند بالانس را تا جایی که بتوانند نگهدارند. مثلاً فشار برای جداسازی در دانشگاهها ممکن است کمتر شود اما همزمان تلاش میکنند طوری نشود که دانشجو احساس کند دستش برای تظاهرات و متشکل شدن بازتر شده است. سعی میکنند با مثلاً حضور نیروهای بیشتر در دانشگاهها یا با بهررو اقداماتی از این قبیل فضا را زیاد باز نکنند. در سطح جامعه هم همینطور. مثلاً از یکطرف ممکن است مجبور شوند فشار روی زنان را کمتر کنند اما نیروی سرکوبشان را بیشتر کرده اند که بتوانند کنترل کنند تا مردم زیاد "پرو" نشوند.

شهلا دانشفر: اتفاقاً سوال بعدی من در همین رابطه بود. با آمدن روحانی یک موج تبلیغی وسیع این بود که اوضاع بهتر میشود، تحریمها برداشته میشود، اقتصاد راه می افتد، اشتغال ایجاد خواهد شد، صبر

کنید، البته یک مقداری طول میکشد و بالاخره بهتر میشود و امثال اینها. واقعاً چه اتفاقی می افتد؟ چقدر امکان بهبود اوضاع مردم وجود دارد؟

اصغر کریمی: اولاً اینکه میگویند صبر کنید و خاتمی هم گفت نباید فوراً انتظار داشته باشید همه چیز تغییر کند و بقیه شان هم مردم را به انتظار دعوت میکنند، اینها همه کلاه گشادی است که دو خردادی ها و حکومتی ها میخواهند سر مردم بگذارند. میگویند مردم باید بدانند که روحانی زیاد در مقابل آقا دستش باز نیست و باید به او فرجه داد چون میدانند که واقعاً هم قرار نیست به هیچیک از مطالبات اساسی مردم پاسخ داده شود در نتیجه سعی میکنند روحیه انتظار را در میان مردم دامن بزنند. اما آیا زمینه گشایش هست؟ بنظر من هست. بخاطر وسعت اعتراضات مردم. الان در زمینه های مختلف اعتراض وسیع است، حجاب را زنان دارند مرتب عقب میرانند و کسی حریفشان نمیشود، اعتراضات زیادی برای آزادی زندانیان سیاسی هست و حتی علیه اعدام، اعتراض خانواده ها شروع شده است و از طرفی نفس اینکه روحانی وعده هائی داد یک فاکتور است که باید در نظر گرفت. درست است که اینها موقع "انتخاباتشان" وعده هائی میدهند و بعد زیرش میزنند اما نفس اینکه مثلاً میگوید به زنان باید حرمت و احترام بیشتری قائل شد (هرچند احترام و حرمت! را میگویند که آزادی را نگویند و این کلمه ای است که جنتی و علم الهدی و ملا عمر طالبان و خمینی هم ممکن بود بکار ببرند) اما همین وعده ها بخاطر فشار مردم است. اگر فشار نبود محدودیت های زنان را بیشتر میکردند و تعداد زندانیان هم ده برابر میشد و این وعده ها را هم روحانی نمیداد. در نتیجه موقعی که مثلاً یکی میاید میگوید زندانیان سیاسی را آزاد میکنم و تعدادی هم آزاد میشوند، بقیه زندانیان و خانواده هایشان امیدوارتر میشوند که الان زمینه برای به نتیجه رسیدن مبارزه ما بیشتر فراهم است.

بنابراین الان وقتش است بریزیم سرشان و خواست هایمان را مطرح کنیم.

شهلا دانشفر: روی این قسمت بیشتر باید صحبت کنیم. نکته بسیار مهمی است. اما شما کاظم نیکخواه چشم انداز اعتراضات در جامعه را چگونه می بینید؟ مثلاً الان نگاه میکنی وضع دستمزد که معلوم است چقدر اسفناک است و یا بیکاری را می بینیم که چه ابعادی دارد. شما چشم انداز مبارزات را چگونه می بینید؟

کاظم نیکخواه: بنظر من چیزی که از مدتها قبل شروع شده و یک نقطه عطفی را میشود شاهد بود، اینست که اعتراضات بویژه بر سر معیشت بسیار جدی تر و گسترده تر شده است، سیاسی تر شده، و بخشهای مختلف مردم و بویژه کارگران که فشار اصلی گرانی و بیکاری بر دوش آنهاست گسترده تر و تعرضی تر دست به مبارزه میزنند. بنظر من اگر بخواهیم از چشم انداز اعتراضات بگوییم ما شاهد گسترش اعتراضات کارگری خواهیم بود. ببینید داریم در مورد یک جامعه ای صحبت میکنیم که اقتصادش عملاً در حال فروپاشی است. و خود حکومت دارد اعتراف میکند که تولید زیر ۲۰ درصد و ۳۰ درصد ظرفیت کارخانه هاست و بخشهای زیادی از کارخانه ها تعطیل شده اند. کارگران را هزار هزار بیکار میکنند. و قیمت ها که مدام بالا میرود. و از آن طرف با طرح یارانه ها قیمتتها بشدت بالا رفته و الان مانده اند که همان یارانه های نقدی را هم چگونه بپردازند. میگویند برای پرداخت یارانه های نقدی ۱۰۰ هزار میلیارد تومان کسری داریم. و بعضاً صحبت از زدن همین یارانه های نقدی است. و بسیاری مسائل و فشارهای دیگر.

ولی این جامعه ای نیست که مردم یا کارگرانش ساکت بوده اند. کارگران هرروز دارند اعتصاب و اعتراض میکنند. خیابان بندی میکنند. تجمع میکنند. مجمع عمومی شان را تشکیل میدهند. در چنین شرایطی وقتی که فشار بیشتر میشود واقعیت نشان داده است که اعتراضات هم بیشتر

میشود. این اعتراضات تا حد زیادی وسط صحنه سیاسی آمده و بیشتر خواهد آمد. همینطور مبارزه علیه تبعیض علیه زنان و تحقیر و توهین به زنان هم در جریان است. هر عقب نشینی جمهوری اسلامی فضا را برای گسترش اعتراضات مناسب تر میکند.

یک نکته را همینجا لازم است بگویم که اینطوری نخواهد بود که هی مدام جمهوری اسلامی یک ذره عقب بنشیند و مردم هم یک ذره پیشروی کنند و اوضاع بتدریج بهتر شود. اولاً مردم در این وضعیت نیستند که یک ذره جلو بروند و متوقف شوند. مردم بشدت خشمگینند و میخواهند هرچه سریعتر از شر کل جمهوری اسلامی خلاص شوند. یعنی فضا فضای انقلابی است. جمهوری اسلامی هم که میدانند فضا اینگونه است با هر عقب نشینی دوباره دست به تعرض علیه مردم میزند. تاکیدم روی اینست که این تبلیغات که گفته میشود سعی کنیم بتدریج جمهوری اسلامی را عقب بزنیم و "اصلاح کنیم"، بهیچوجه نمیتواند اتفاق بیفتد. یعنی یا گسترش اعتراضات به حالت انفجاری میرسد و انقلابی به جریان می افتد یا جمهوری اسلامی سرکوبها را گسترش میدهد و مردم را عقب میراند.

بهرحال در کوتاه مدت بنظر من شاهد گسترش اعتراضات بر سر معیشت و آزادی و علیه کل جمهوری اسلامی خواهیم بود. و اگر مردم هوشیار باشند، اگر حزب کمونیست کارگری خوب عمل کنیم این اعتراضات میتوانند تا سرنگونی جمهوری اسلامی پیش برود.

شهلا دانشفر: شما وضعیت را چگونه می بینید؟ با توجه به اینکه به شکافهای درون جمهوری اسلامی هم اشاره کردید و گفتید یک بخش حکومت مقابل سیاستهایی مثلاً آزادی زندانیان سیاسی است؟ یا سر حجاب اختلاف دارند. حتی بر سر رابطه با غرب. شما نظرتان در این رابطه چیست؟

تحولات سیاسی در ایران

اصغر کریمی: بنظر من همین مذاکره با غرب و "ترمش قهرمانانه" را مردم به حساب شکست می‌گذارند و مشخصا به حساب شکست خامنه ای می‌گذارند و این واقعی است. پس در چنین فضائی باید مردم استفاده کنند و با آمادگی بیشتر به میدان بیایند هم در زمینه سیاسی و فرهنگی و هم در زمینه اقتصادی که کمر اکثر جامعه را خرد کرده است. سرکوب و اعدام و جنایت طبعاً همیشه هست اما حکومت مثل سابق زورش نمیرسد.

شهلا دانشفر: اتفاقاً همین را می‌خواستیم بگویم. داریم از اوضاعی صحبت می‌کنیم که سال ۸۸ را پشت سر گذاشتیم. همین مضحکه انتخابات و فضای اعتراضی برای جمهوری اسلامی کابوسی شده بود. از اینکه مردم در یک زمینه هابی جلو آمده اند. در چنین اوضاعی با چه وضعیتی از نظر مبارزه مردم رویرو خواهیم بود؟

اصغر کریمی: بنظر من الان جمهوری اسلامی از سال ۸۸ هم ضعیف تر است. در کل ضعیف تر است و در نتیجه باید استفاده کرد و تعرضات را گسترش داد. متشکل شد. کارگران باید در سطح شهرها متحدتر و متشکل تر شوند اعتراضات جمعی تری را سازمان دهند. مثلاً اخیراً گفته اند که بیماری های کلیوی و ریوی و هموفیل و بیماری هائی که مدام احتیاج به دوا و درمان هست، از اول مهر کاملاً رایگان میشود. مردم میتوانند نتیجه بگیرند که آنچه حزب کمونیست کارگری دائم میگوید که طب باید برای همه مردم کاملاً رایگان شود زمینه دارد. یا در زمینه تحصیل رایگان و یک وعده غذای گرم و رایگان برای دانش آموزان و بیمه بیکاری و بهبود وضعیت سالمندان و بازنشستگان و سایر زمینه ها.

مردم باید الان یک قدم بلند به جلو بردارند و کاری نکنند که جمهوری اسلامی دوباره نتواند آنها را عقب براند و راهش متشکل شدن است. باید در کارخانه ها، در محلات، زنان و دانشجویان و معلمان و غیره شروع کنند دور هم جمع شوند و خودشان را متشکل کنند، مطالباتشان را بنویسند و برای عملی شدن آن اعتراض کنند. نفس اینکه فی المثل روحانی و وزرایش میگویند از فیسبک استفاده میکنیم مردم هم باید بگویند چرا آنها آزادند ولی برای ما فیلتر می‌گذارید؟ در همه زمینه ها مردم شواهدی میبینند و درست هم میبینند که میتوانند خواستهایشان را راحت تر از گذشته مطرح کنند. خانواده های زندانیان سیاسی الان راحت تر میتوانند دور هم جمع شوند، تشکل ایجاد کنند و بگویند باید عزیزانمان را فوراً آزاد کنید. در تهران در کردستان، خوزستان و آذربایجان، خانواده کارگران زندانی، دانشجویان زندانی و یا خانواده معتقدین به ادیان دیگر راحت تر میتوانند دست به تجمع بزنند و بگویند باید فوراً عزیزانمان را آزاد کنید. نگفتید اعتدال؟ نگفتید زندانیان سیاسی را آزاد میکنید؟ پس فوراً باید همه آنها را آزاد کنید.

شهلا دانشفر: کاظم نیکخواه در این اوضاع جنبش کارگری چه وزن و جایگاهی دارد؟
کاظم نیکخواه: بگذارید من یک نکته را اول بگویم و آن اینکه این سم است که کسی فکر کند یا تبلیغ کند که این تغییر و تحولی که داریم از آن صحبت میکنیم یک ذره به سیاست "اعتدال" یک جناح جمهوری، یا به روحانی و رفسنجانی بستگی دارد. و گویا اینها "جنس" شان از جنس خامنه ای متفاوت است. یا به یک جناح جمهوری اسلامی ربط دارد. یا به این ربط دارد که

مثلاً روحانی از خامنه ای بهتر است. این سم است...
بگذارید من یک نمونه را توضیح دهم. سال ۸۸ مردم بطور قطع نمیتوانستند در ادامه انقلابشان جمهوری اسلامی را سرنگون کنند و اکنون ما سالها بود که میبایست در جامعه ای زندگی میکردیم بدون جمهوری اسلامی. اما چرا این حکومت علی‌رغم آن انقلاب عظیم و قهرمانی مردم سرنگون نشد؟ بخاطر اینکه یک عده ای توهم نسبت به امثال کروبی و موسوی ایجاد کردند. و مردم به دنبال تنها حزبی که میگفت تمام جناحهای جمهوری اسلامی سرو ته یک کرباسند و این انقلاب باید تا جaro کردن کل سنتها و ارگانها و نهادها و قوانین جمهوری اسلامی پیش رود، نرفتند. و درست روز ۶ دی یا عاشورا که مردم به قدرتمندترین شکل ظاهر شدند و حکومت را به لبه پرتگاه سوق دادند، جناح موسوی کروبی اعلام برائت کردند. و سه روز بعدش به مردم فراخوان دادند که بروید در تظاهرات طرفداران خامنه ای شرکت کنید و "اسب تروا" را مطرح کردند و امثال اینها. یعنی زدند زیر پای انقلاب را خالی کردند. و این اتفاق هر موقعی میتواند بیفتد. خاتمی آمد برای جمهوری اسلامی عمر خرید. بخاطر اینکه یک عده ای از مردم افتادند پشت سر تبلیغات کثیف ملی اسلامی ها که گویا خاتمی آمده و میخواهد جامعه را آزاد کند و امثال این خزعبلات. در صورتی که این آخوند تمام حرفش این بود که قانون اساسی جمهوری اسلامی باید پیاده شود و من کاملاً پشت سر "آقا" یعنی خامنه ای هستم. اما تبلیغاتی را بارش میکردند که اهلش نبود. سران جمهوری اسلامی در راس یک حکومت کثیف و جنایتکار هستند و عملاً میخواهند همین ماشین جنایت را نگهدارند. این را باید دید و در آن تردید نکرد و اجازه نداد که این نوع سموم را دوباره و ده باره در جامعه پخش کنند.

شهلا دانشفر: به مولفه های زیادی اشاره شد. در این شرایط شما چه راهی را مقابل

مردم قرار میدهید و چه تأکیدی دارید؟
اصغر کریمی: یک نکته در زمینه مشکلات اقتصادی لازم است اشاره کنم و آن اینکه روحانی گفت مشکلات اقتصادی را صدروزه حل میکند و الان برق را سه تومان گران کرده اند! دارند میگویند دوره احمدی نژاد صندوق ها خالی شده و دولت خیلی بدکاری دارد. صرفنظر از اینکه ممکن است بخشها هم اینرا میگویند که مردم را بی توقع کنند اما صندوق ها هم خالی است. اولاً مردم باید بگویند احمدی نژاد هم از خودتان بود، از ما که نبود. مسئول خالی شدن خزانه خودتان هستید و تاوانش را ما حاضر نیستیم بپردازیم. ثانیاً، الان میخواهند این کسری بودجه را تامین کنند که حتماً فکر میکنند از خدمات بیشتر بزنند، بنزین و برق و گاز و غیره را گرانتر کنند، حقوق ها را ماه به ماه ندهند و کلاً فشارها را بیشتر کنند. در نتیجه اگر مردم به میدان نیایند وضعشان به مراتب بدتر میشود. دورنمای بسیار بدی حتی از جهنم کنونی وجود دارد. مردم باید بایستند بگویند پول آب و برق را نداریم و نمیدهیم، تحصیل باید رایگان باشد، باید یک وعده غذای گرم به همه دانش آموزان بدهید، به وضع معتادان باید رسیدگی کنید، حقوق ها را باید افزایش بدهید، زنان باید همچنان به اعتراضشان و عقب تر بردن حجاب ادامه بدهند، دم استادیوها بروند و بگویند این جداسازی ها باید پایان داده شود، دانشجویان باید خواستهایشان را مطرح کنند، یا زندانیان سیاسی و غیره. در همه زمینه ها مردم باید به میدان بیایند در غیر اینصورت وضع از اینهم بدتر میشود. در واقع باید رهبران کارگری و دانشجویی و غیره پیشقدم شوند برای متشکل کردن بقیه. و نکته مهم دیگر، اینکه مردم احتیاج به یک رهبری دارند که مثل ۸۸ نتوانند متوهم شان کنند و شکست شان بدهند. مردم یک رهبری میخواهند که واقعا نماینده خواست های اکثریت عظیم مردم باشد. مردم باید بطرف حزب کمونیست کارگری که

حزب اکثریت مردم است هجوم بیاورند و آنرا تقویت کنند که در تند پیچ بعدی کلاه سرشان نرود.
شهلا دانشفر: تأکید شما چیست؟
کاظم نیکخواه: فکر میکنم صحبت های اساسی شد. مساله اینست که ما با یک اوضاع متحول رویرو هستیم و جمهوری اسلامی در وضعیتی است که اقتصادش از هم گسیخته است. صفوفش در هم ریخته است. و بسیار ضعیف شده است. اما سرنگونی این حکومت به مردم سرنگونی طلب گره خورده است که پا به میدان بگذارند و بگویند این حکومت را با انقلابمان سرنگون میکنیم. نباید بهیچ وجه این انتظار را داشت یا از کسی قبول کرد که آمریکا می آید اوضاع را بهتر میکند. یا این و آن جناح جمهوری اسلامی اوضاع را بهبود میدهند و امثال اینها. هرچه در این زمینه توهم دامن زده شود به زیان مردم است. و هرچه توهم پذیرفته شود بنفع جمهوری اسلامی است. بنابراین هرکسی در حد توانش باید در جهت متحد شدن برای سرنگونی جمهوری اسلامی تلاش کند. بویژه کارگران که بیشترین فشار اقتصادی بر دوش آنهاست و دارند هرروزه هم اعتراض و مبارزه میکنند. مهم اینست که این مبارزات گسترش بیشتری پیدا کند و سراسری شود. اما نه فقط کارگران بلکه مبارزه زنان برای اینکه تحقیر و توهین و آپارتاید جنسی علیه آنها از بین برود، دانشجویان باید دانشگاهها را هرچه بیشتر از نیروهای جمهوری اسلامی بگیرند و به سنگر مبارزه و آزادیخواهی تبدیل کنند. باز هم تأکید میکنم که یک ذره خوشبینی نباید داشت که جمهوری اسلامی خودش عقب میرود یا آمریکا می آید و فضای بهتری ایجاد میکند. بلکه باید اعتماد و اعتقاد کامل داشت که این مبارزه ماست که میتواند جامعه را جلو ببرد و بهبود بخشد.

شهلا دانشفر: متشکرم
اصغر کریمی: کاظم نیکخواه که در این میزگرد شرکت کردید. *



نتیجه انتخابات در آلمان، موفقیت مارگارت تاچر آلمان

نازنین برومند

فیگارو، ال موندو، نیویورک تایمز، و... تعریف و تمجید شده است و به القابی نظیر، ملکه اروپا به او نسبت داده اند یکی از قدرتمندترین زنان جهان در عالم سیاست شمرده میشود. یک روزنامه انگلیسی او را "مارگرت تاچر آلمان" نام نهاده است.

حالا باید دید که آیا در این دور جدید هنوز خانم مرکل و اقلیت ۱٪ حاکم با همان سیاست میتواند ادامه دهند یا اینکه اکثریت ۹۹٪ مردم آلمان راه اعمال اراده مستقیم بر سرنوشت خود و تغییر بنیادی مناسبات اقتصادی و اجتماعی پیدا خواهند کرد و علیه فشار اقتصادی و بی عدالتی بلند خواهند شد.*

نقش دولت آلمان در بر سر کار ماندن رژیم اسلامی ایران بر کسی پوشیده نیست. چه زمانی که احزاب به اصطلاح چپ (سوسیال دموکرات و سبزها) در آلمان حکومت را به دست داشتند و چه در این ۸ سال اخیر که دوباره بعد از هلموت کهل احزاب دست راستی حکومت آلمان را بدست گرفتند سیاست دولت آلمان در قبال رژیم جنایتکار اسلامی تغییری نکرده است. آنها همچنان طرفدار "دیالوگ"های مختلف چه علنی و چه پشت پرده با رژیم اسلامی هستند و مستقیم و غیر مستقیم از رژیم پشتیبانی میکنند. خانم مرکل که از طرف مدیای رسمی اروپایی مانند

کافی برای سالمندان و بیکاران و غیره واقعیاتی است که بر مردم آلمان پوشیده نیست. ولی وقتی آنها وضعیت خود را با کشورهای همسایه خود مانند اسپانیا و یونان مقایسه میکنند به همین راضی هستند و نمیخواهند اوضاع از این بدتر شود. وحشت از بدتر شدن اوضاع اقتصادی که از جانب رسانه های مختلف بورژوازی بر آن تاکید شده و به آن دامن زده میشود، نقش مهمی در این انتخاب داشت. نه احزاب راست و نه احزاب چپ سنتی موجود در این کشور چیزی بجز تغییرات ناچیز و جرح و تعدیل های مختصر در قوانین مالیاتی چیز دیگری ارائه نمی دهند.

مردم اروپا بخصوص مردم کشورهای که دچار بحران ارزی "یورو" شده اند، مانند اسپانیا، یونان و ایتالیا از آمدن دوباره مرکل سر کار چندان خوشنود نیستند. آنها امید به این داشتند که دولت از دست مرکل و احزاب طرفدار یورو در بیاید و به دست طرف دیگر بیفتد، بلکه این بحران کاهش یابد. البته درست است که آلمان و شخص مرکل نقش زیادی در پیشبرد سیاست "اروپای واحد و یورو" بازی میکنند ولی این سیاست با رفتن مرکل یا عوض شدن حکومت تغییری نمیکند. اروپای واحد و یورو راه برگشت ندارند و این راه را هر حزب دیگری که در آلمان به قدرت برسد باید طی کند. این سیاست با دولت مرکل شروع نشد و با پایان دولت مرکل نیز به پایان نخواهد رسید.

دارند. اما امسال نتیجه انتخابات بعد از شمارش آرا بسیار جالب بود. حزب دموکرات مسیحی و حزب خواهرش همیشه با حزب لیبرال آلمان ائتلاف میکردند و امسال نیز به همین خیال جای پای خود را قرص می دیدند. اما اینبار حزب لیبرال آلمان رای کافی نیاورد. این حزب حتا راه به پارلمان هم نیافت. در نتیجه باید حالا حزب خانم مرکل چرتکه بیندازد که چه بکند. ائتلاف با حزب رقیب خود که دومین و بالاترین رای را در انتخابات آورد یعنی حزب سوسیال دموکرات یا ائتلاف با حزب سبزه های آلمان که همیشه این وسط یا پای ائتلاف با راستها هستند یا با چپها. این کار راحتی برای مرکل و حزیش نیست. اگر آنها با احزاب رقیب خود به تفاهم بر سر یک دولت ائتلافی نرسند باید انتخابات مجدد صورت بگیرد. از این لحاظ این برد برای مرکل و حزیش با مزه تلخی همراه است. در حال حاضر وضعیت اقتصادی آلمان نسبت به بقیه کشورهای صنعتی در اروپا بهتر است. در صد بیکاری طبق آمار اداره کار نسبت به زمان قبل از مرکل نزول پیدا کرده است. اما مردم آلمان نیز مانند بقیه مردم دنیا دوره ریاضت اقتصادی را سیر میکنند، در آلمان رسماً از فقر کودکان صحبت میشود چرا که درصدی از خانواده ها در آمد کافی برای تامین فرزندان خود ندارند، سطح دستمزدها بسیار پایین آمده و قرارداد های کاری موقت و عدم تامین اجتماعی

روز یکشنبه هفته گذشته، ۲۲ سپتامبر انتخابات سراسری برای انتخاب دولت جدید در آلمان برگزار شد. از ۶۱ میلیون نفر جمعیت آلمان که حق رای دارند چیزی بیشتر از ۷۱٪ به پای صندوق رای رفتند. همان یکشنبه شب در اخبار ساعت ۸ شب مشخص بود که آنجلا مرکل برنده اصلی این انتخابات است. بیشترین آرا را حزب دموکرات - مسیحی، حزب مرکل، به خود اختصاص داد. وقتی از برد صحبت می کنیم به این معنا نیست که اکثریت جمعیتی که پای صندوق رفتند به آنجلا مرکل و حزیش رای دادند. یک نگاه ساده به آمار نشان میدهد که بر عکس اکثریت به آنها رای نداده است.

طبق شمارش نهایی حزب CDU دموکرات - مسیحی ۳۴،۱ درصد و حزب خواهرش ۷،۴ درصد که در جمع ۴۱،۵ درصد آرا را به خود تعلق دادند که اکثریت مطلق نیست. از آنجا که سالهاست هیچ حزبی به تنهایی در انتخابات اکثریت مطلق (نصف به اضافه یک) را به خود اختصاص نداده است، خیلی طبیعی هست که احزاب قبل از انتخابات یارگیری کرده و حزب دیگری را به عنوان شریک دولت برای ائتلاف بعد از انتخابات مشخص میکنند تا بدین طریق در پارلمان اکثریت به دست آورند.

مثل هر دولت غربی دیگری در آلمان نیز احزاب راست از یک طرف و احزاب چپ از طرف دیگر قصد تصرف حکومت را

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

International Committee Against Stoning

(http://stopstoningnow.com)

International Committee Against Execution

(http://notonemoreexecution.org)

For more information contact:

Spokesperson: minaahadi@aol.com

0049-177-569-2413

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

همزمان با وراجی های روحانی درباره دنیای بدون خشونت، در زاهدان جوان ۲۳ ساله سخته کرده را به دار کشیدند!

ننگ و نفرت بر حکومت اسلامی ایران و روحانی جنایتکار!

روز سه شنبه روحانی در سازمان ملل سخنرانی کرد. او با قیافه حق بجانب، همان حرفهایی را زد که احمدی نژاد میزد، کمی تلطیف شده و در عین حال از موضع ضعف و بقول خودشان "اعتدال". او از دنیای عاری از خشونت و افراطی گری حرف زد و حکومت جنایت اسلامی را در مقام قربانی خشونت معرفی کرد و در نهایت خواهان کم شدن فشارها روی حکومت و نظامشان شد. هلهله مشمئز کننده رسانه های نان به نرخ روز خور فارسی و مصاحبه های متداول با "کارشناسان" همواره مدافع حکومت فاشیست اسلامی، حال من یکی را بهم میزد. چرا که همزمان با این نمایش مضحك و تهوع آور جدی گرفتن روحانی و حرفهایش در مقام "رییس جمهور منتخب" ایران، من مشغول دلداری دادن به خانواده ای بودم که فرزندش را بعد از سخته کردن به پای چوبه دار برده و او را با این وضع حلق آویز کرده اند. و همزمان با این برنامه ها از ایران تلفنی داشتیم که خانواده دردمند يك محکوم به اعدام به اسم نصرالله فرامرزی، روز سه شنبه ۲۴ سپتامبر از ما میخواستند که ما آخرین فعالیتها را انجام دهیم تا شاید فرزندشان که قرار بود امروز یعنی چهارشنبه ۲۵ سپتامبر اعدام شود، از مرگ نجات یابد.

در اینجا نامه جمعی از زندانیان سیاسی زاهدان را در مورد فاجعه اعدام احمد عیسی زهی ۲۳ ساله که پنج شنبه او را به سول انفرادی برده و گفته بودند که شنبه اعدامش میکنند را بازپخش میکنیم تا دنیا بداند که اینها چه جانورانی هستند و مردم دنیا وراجی های این حکومت و سران ریز و درشت آن و از جمله روحانی جنایتکار را باور نکرده و اینها را به هیچ مجمع بین المللی راه ندهند. احمد عیسی زهی جوان از ترس و وحشت در انفرادی سخته کرد و درگذشت و جلادان حاکم، جسد او را به دار کشیدند، اینرا در رسانه های بین المللی مطرح کنید و در دنیا اعلام کنید حکومت اسلامی ایران حکومت جنایت و وحشت و خشونت است و باید سرنگون شود.

دعوت میکند که به این جنایات بهر طریق ممکن اعتراض کنند!

مینا احدی - کمیته بین المللی علیه اعدام

۲۵ سپتامبر ۲۰۱۳

متن نامه جمعی از زندانیان سیاسی زندان زاهدان

عرض سلام به کمیسر عالی حقوق بشر در سازمان ملل

متن گزارش موضوع اعدام احمد عیسی زهی

احمد عیسی زهی ۲۳ ساله ساکن شهر زاهدان مرکز بلوچستان ایران، که در تاریخ ۸-مهر-۱۳۹۰ به اتهام حمل مواد مخدر دستگیر شد. بطوری که شغل ایشان مسافرکشی بین شهری بود و در روز دستگیری ایشان چند نفر مسافر از شهر زاهدان به شهر کرمان میبردند و هنگام برگشت از شهر کرمان در نزدیکی یکی از شهرستان های بلوچستان به نام نصرت آباد مورد تیراندازی نیروهای مرصاد قرار میگیرد و ماشین ایشان مورد اصابت گلوله قرار میگیرد و از کار میافتد و به علت ترس از جان خود از ماشین پیاده میشود و فرار میکند در صورتیکه اصلا

نمی داند که چرا مورد تیراندازی قرار گرفته است چون مامورین مرصاد با لباسهای محلی بلوچی بودند.

هنگام فرار به علت ترس از ... او را میگیرند و میاورند کنار ماشین و به زور داخل ماشین ایشان مواد مخدر از نوع کراک میگذارند و از او و مواد مخدر داخل ماشین عکس و فیلم برداری میکنند و او را به ارگان مواد مخدر در شهر زاهدان میاورند و نزدیک به یکماه در ارگان مواد مخدر بسر میبرد.

احمد عیسی زهی توسط آقای میرشاه بازرپرس پرونده ایشان مورد تفهیم اتهام قرار میگیرد ولی اتهاماتی که به او زده بودند را نمی پذیرد و میگوید به زور ماموران مرصاد مواد مخدر را در ماشین او گذاشته اند ولی آقای میرشاه به حرفهای او اصلا توجهی نمیکند و پرونده ایشان را به دادگاه عموم زاهدان شعبه ۲، نزد قاضی شعبه ۲ آقای بامری میفرستد و احمد عیسی زهی اتهامات وارد بر خود را نزد آقای بامری قاضی شعبه ۲ دادگاه قبول نمیکند و در بهمن ۱۳۹۱، حکم اعدام به ایشان ابلاغ شد و احمد عیسی زهی به حکم اعدام خود اعتراض زد اما جوابی به اعتراض ایشان نیامد.

در روز پنجشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۲، احمد عیسی زهی را از بند جوانان به قرنطینه بردند و تا روز شنبه حکم ایشان را اجرا کنند. طبق گزارش پزشکی قانونی ایشان چند ساعت قبل از اعدام سخته و وفات مینماید ولی این ظالمان به همنصورت ایشان را به دار می آویزند که اثر پارگی گردن در زمان تدفین ایشان این امر را روشن میکنند.

ما زندانیان سیاسی زندان زاهدان اعدام احمد عیسی زهی و اعدامهای از این قبیل که بیگناهان به پای دار میروند را محکوم میکنیم و از سازمانهای حقوق بشری تقاضا داریم که جلوی این جنایتها را بگیرند.

جمعی از زندانیان سیاسی زندان مرکزی زاهدان

شهریور ۱۳۹۲

گزارش فوق به سازمانهای زیر ارسال گردید

کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد

گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد



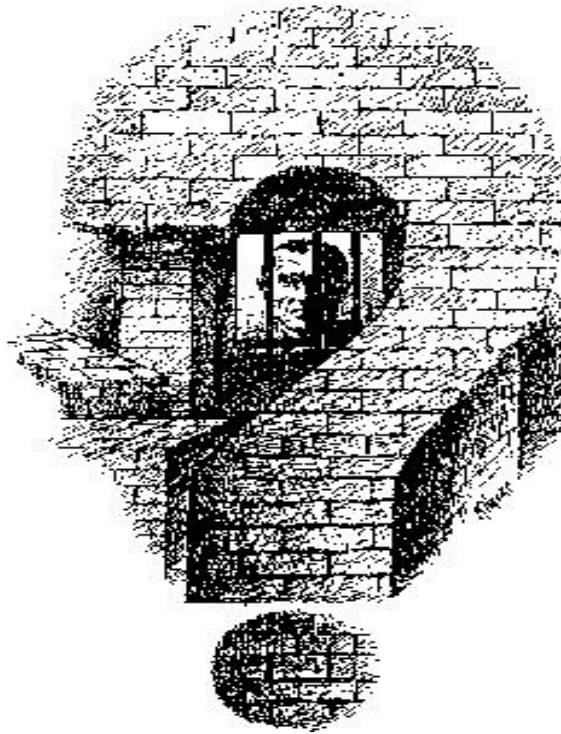
پیرامون " لایحه جرم سیاسی " مجلس رژیم!

محمد شکوهی

هفته گذشته تعدادی از نمایندگان مجلس لایحه "جرم سیاسی" را برای بررسی و تصویب به هیأت رئیسه مجلس رژیم تحویل دادند. ابوترابی، دبیر کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس و طراح اولیه این طرح، ضمن دفاع از مفاد آن، به تدریج مواردی که شامل "جرم سیاسی" از نظر وی میشوند، اشاره کرده است.

اساس و جوهر این طرح در فصل اول ماده ۱ آمده است و فقط خواندن این ماده کافی است تا ماهیت و اهداف ضد انسانی این لایحه را دریافت. "هرگاه رفتاری با انگیزه نقد عملکرد حاکمیت یا کسب یا حفظ قدرت، واقع شود بدون آنکه مرتکب، قصد ضربه زدن به اصول و چهارچوب های بنیادین نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشد، جرم سیاسی محسوب می شود". این طرح که در اساس خود یک انگیزه‌ساز سیاسی و تفتیش عقاید است، به مراتب قرون وسطایی و ضد انسانی کنار سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی و تکمیل کننده توحش اسلامی و بی حقوقی محض همه شهروندان جامعه می باشد. نفس انتقاد و جرات به انتقاد کردن جرم محسوب میشود حتی اگر قصد ضربه زدن به نظام را نداشته باشد. هیچ کس و هیچ جریانی، حتی "منتقدان خودی حکومت" نیز اجازه انتقاد از عملکردها و سیاستهای نظام ندارند و اگر این کار را بکنند، مرتکب جرم سیاسی شده اند، چه رسد به مردم عادی و معترض به حکومت. مردمی که بیش از نیمی از آنها زیر خط فقر بسر می برند، زنانی که در جهنم تبعیض جنسی زندگی می کنند، کارگرانی که منزلت و معیشت آنها توسط حکومت اسلامی به یغما رفته، جوانانی که شادی از آنها گرفته شده و جامعه ای که

سانسور و سرکوب بر آن حکومت می کند، نمی توانند معترض نباشند. آنها منتقدان ساده حکومتی که موجب این بدبختی ها شده نیستند، بلکه خواهان برچیده شدن بساط آن هستند. و بر اساس این لایحه حساب مردم معلوم است. مردم از قبل مجرم سیاسی هستند چون کارنامه جمهوری اسلامی را با پوست و گوشت خود لمس کرده و نمی توانند کوچکترین اعتباری و



ارزشی برای نظام اسلامی قائل باشند.

سیاست های مطرح شده در این لایحه چیز تازه ای را مطرح نمی کند. جمهوری اسلامی عملاً کوچکترین انتقاد و اعتراضی را با زندان، شکنجه و اعدام پاسخ داده است. مفاد این لایحه ۳۵ سال است که به خونین ترین وجهی اجرا میشود. بدون این لایحه هم هر ساله هزاران نفر دستگیر، زندانی، شکنجه میشوند. جمهوری اسلامی از اولین روزهای به قدرت رسیدن

لایحه به تشدید فضای رعب و وحشت و فضای پلیسی و امنیتی در کشور مجوز میدهد. یکی از اهداف مهم این لایحه کارگرانی هستند که به سفره خالی و فقر روزافزون خود معترضند. آنها مجرمند چون حداقل دستمزد را دولت به تصویب رسانده و کسی حق ندارد به دولت اسلامی انتقاد کند. زنان، جوانان، کودکان و همه مردمی که حق یک زندگی انسانی از آنها سلب شده، مجرمند چون مسبب بدبختی ها و رنج های آنها جمهوری اسلامی است و در هر فرصتی اینرا فریاد میزنند.

اقدام وقیحانه حتی برای طرح چنین لایحه ای که چیزی بجز توحش و سرکوب را بیان نمی کند، ترس و وحشت همیشگی رژیم از هر گونه صدای مخالف و انتقاد و مبارزات مردم را نشان میدهد.

این تقلا و تلاشی برای گسترش و تثبیت فضای امنیتی و دیکتاتوری محض ولایت فقیهی بر جامعه، البته اگر بتوانند می باشد. خود حکومت و باند هایشان به افزایش نارضایتی مردم از حکومت بارها اعتراف کرده اند. اعتراف کرده اند که اگر فکری به حال این وضعیت نکنند، اوضاع از کنترل حضرات خارج خواهد شد. در نتیجه توصیه باندهای مجلسی به روحانی و "دولت اعتدال و

امیدش" این بود که "اعتدال قضایی" هم در قانونگذاری جمهوری اسلامی به کار گرفته شود. از شمرات و بروزات این "اعتدال قضایی روحانی"، یکی هم "لایحه جرم سیاسی" می باشد که در دست بررسی و تصویب می باشد. جمهوری اسلامی اعدام، سانسور، سرکوب مبارزات کارگران و مردم، کنترل پلیسی و امنیتی همه عرصه زندگی سیاسی و اجتماعی می باشد. نظامی که فقط و فقط یک کار و وظیفه برای خودش تعریف کرده است و آن تشدید سرکوب، ایجاد محدودیت و تصویب ارتجاعی ترین قوانین و مقررات برای به تسلیم کشاندن جامعه، برای حفظ نظام کثیف دیکتاتوری اسلامی. اما همه این سه دهه گذشته نشان داده که این تقلاها و تلاشها کارایی نداشته و موقعیت رژیم در برابر مردم هر روز شکننده تر و ضعیف تر گشته است. جمهوری اسلامی نظیر حاکمان کلیسا و مذهب قرون وسطا در برابر خواست و اراده و اعتراض و مبارزه مردم برای رهایی و آزادی از قید و بند قوانین عصر بربریت تاب ایستادگی نخواهد داشت. عصر بربریت و جاهلیت، حاکمیت سیاه و دیکتاتوری مذهب برای رضای خدای حاکمان اسلامی به سر آمده است.*

آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد و نقد. آزادی انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیک جامعه. لغو هر نوع ارجاع به قوانین به باصطلاح مقدسات ملی و میهنی و مذهبی و غیره بعنوان عامل محدود کننده آزادی نقد و اظهار نظر مردم. ممنوعیت هر نوع تحریکات و تهدیدات مذهبی و ملی و غیره علیه بیان آزادانه نظرات افراد.

از برنامه حزب کمونیست کارگری بخش "حقوق و آزادی های فردی و مدنی"

خونین باندهای درون حاکمیت این قوانین کفایت نمی کند. برای مقابله با آنهايي که خود برقرار کنندگان قوانین اسلامی و مفسرین و مجریان آن بوده اند، چهارچوبه و قوانین دیگری لازم است. لایحه "جرم سیاسی" قرار است به این نیاز پاسخ دهد.

بدون شك با تصویب این لایحه دست ارگانهای سرکوبگر رژیم نظیر قوه قضائیه، سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی بازتر خواهد شد و ابعاد سرکوب رژیم گسترش خواهد یافت. این

آخرین اخبار از شش زندانی محکوم به اعدام از قزل حصار اعتصاب غذای شش محکوم به اعدام، تجمع خانواده ها در مقابل قزل حصار، قرار ملاقات با محسنی ازه ای در روز یکشنبه

محکوم شده اند، از همه کسانی که نگران جان عزیزان خود هستند، دعوت میکنند در این حرکت و تحصن، حضور بهم رسانده و حکومت اسلامی ایران و دادستان این حکومت را زیر فشار گذاشته و کاری کنند که احکام اعدام فرزندان و عزیزان آنها لغو بشود. تنها با اعتراض دسته جمعی میتوان جان عزیزان خودمان را نجات دهیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام به زندانیان و محکومین به اعدام و همه کسانی که با ما از درون سیاهچالهای حکومت اسلامی تماس میگیرند، قول داده است که کاری کند در سراسر جهان ایرانیان آزاده و نهادهای علیه اعدام متحدانه به اعدامها در ایران اعتراض کرده و از تحصن خانواده ها در مقابل دفتر ریاست جمهوری فعالانه دفاع کنند. برای نجات جان صدها نفر محکوم به اعدام متحدانه اعتراض کنیم!

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۶ سپتامبر ۲۰۱۳

خانواده ها به قزل حصار مراجعه کرده و قصد تحصن در آنجا را داشتند که مسئولین زندان به آنها گفته اند تحصن نکنند و روز یکشنبه با دادستان کل حکومت اسلامی، محسنی ازه ای ملاقاتی داشته باشند.

قرار است روز یکشنبه حدود ۱۰۰ نفر از خانواده های محکومین به اعدام با ازه ای ملاقات کنند و اگر این ملاقات به نتیجه ای نرسد، خانواده ها از روز یکشنبه در مقابل دفتر ریاست جمهوری تحصن خواهند کرد.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همه خانواده هایی که فرزندان آنها به اعدام

آنها به انفرادی را داشتند، مقاومت کرده و به انفرادی نرفته اند. زندانبانان با گارد ضد شورش به این بند حمله کرده و با خشونت قصد بردن آنها به انفرادی را داشتند. با دفاع بقیه زندانیان فعلا این چهار نفر همان جا باقی مانده اند و هر شش نفر که صحبت از اجرای حکم آنها در همین روزها هست، در اعتصاب غذا هستند.

کمیته بین المللی علیه اعدام روز چهارشنبه به اطلاع عموم رساند که خانواده های این زندانیان قصد تحصن در مقابل زندان قزل حصار را دارند. امروز خبر رسید که

طبق اخباری که کمیته بین المللی علیه اعدام و نهادهای علیه اعدام و همچنین سازمان عفو بین الملل، روز چهارشنبه ۲۵ سپتامبر منتشر کردند، خطر اجرای حکم اعدام شش نفر فعالین سیاسی و عقیدتی اهل سنت در زندان قزل حصار بسیار زیاد است. دو زندانی حامد احمدی و صدیق محمدی را رژیم با ترفند به بهانه ابلاغ حکم به نگهداری زندان فراخوانده و سپس آنها را به سلول انفرادی برد. چهار زندانی به اسامی، کمال ملایی، جمشید دهقانی، جهانگیر دهقانی و سید هادی حسینی که زندانبانان قصد انتقال

از روحانی پیرسید چرا سکینه محمدی آشتیانی را آزاد نمی کنید؟ میخواهم فرزندانم را در آغوش بکشم، کمک کنید!



آشتیانی

کمیته بین المللی علیه سنگسار از همه رسانه های بین المللی دعوت میکنند این حرفهای سکینه را به گوش جهانیان رسانده و همچنین از روحانی در این مورد سوال کنند.

کمیته بین المللی علیه سنگسار
۲۵ سپتامبر ۲۰۱۳

میزند، با آزاد کردن افرادی مثل من اثبات کند که طرفدار اعتدال است. سرنوشت من، زندگی من و فرزندانم و درد و رنج هایی که ما متحمل شدیم، نمونه ای است از اینکه چگونه زندگی ما از هم پاشید. من از همه رسانه ها که همواره از من دفاع کردند، میخواهم این سوالات را در هر جایی که آقای روحانی را می بینند از او بکنند، چرا سکینه را آزاد نمی کنید؟ با احترام زن رنج دیده ایرانی سکینه محمدی

چند صبحی در کنار فرزندانم باشم و آزادی را در آغوش بگیرم.

من سالهای سال درد و رنج و وحشت و ترس و اعدام و سنگسار را در همه لحظات زندگی تجربه کردم. دیگر نمیتوانم. واقعا توان تحمل این همه سختی و وحشت را ندارم. آیا فریاد رسی هست؟

از روحانی در نیویورک اینها را بپرسید، بگویید چرا سکینه را آزاد نمیکنید؟ بگویید اگر روحانی واقعا از اعتدال و دوستی حرف

سه سال است که در حسرت آزادی و نفس کشیدن میسوزم و میسازم. به من گفتند که اگر در يك فيلم برای "پرس تی وی" همراهی کنم، آزاد میگردم. پرس تی وی فیلمش را گرفت و رفت و از آزادی من خبری نشد.

میگویند پرونده در تهران است و آنجا باید تصمیم گیری شود، من میخواهم از رئیس جمهور روحانی بپرسید که ایشان که ساکن تهران هستند، آیا خبری از پرونده من دارند؟ آیا ایشان میخواهند مرا آزاد کنند تا

ملاقات با یکی از مسئولین مبارزه با خشونت بر علیه زنان سازمان ملل در ژنو

ماریانیک کوفی از چگونگی این تماسها و امکانات برای تماس گرفتن میپرسید و در عین حال قول داد که به این درخواستها رسیدگی کنند.

در این نشست آمار اعدامها بعد از به قدرت رسیدن روحانی و اعدامهای گسترده تر در ملاعام و اعدام زنان که در این دوره بیشتر شده، مورد بررسی قرار گرفت و همه حاضرین در نشست خواهان اقدامات فوری برای جلوگیری از این جنایات بودند.

در مقابل ساختمان سازمان ملل يك اعتراض علیه اعدام نیز برپا بود که در آنجا عکسهای بزرگ زانیار و لقمان مرادی و محکومین به اعدام را میشد دید.

کمیته بین المللی علیه اعدام یکبار دیگر اعدامهای گسترده در ایران در دوماه اخیر را بشدت محکوم کرده و از سازمان ملل میخواهد فوراً به این جنایات اعتراض کنند. ما در عین حال خواهان اعتراض رسمی سازمان ملل به نقض وحشیانه حقوق زنان در ایران هستیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۴ سپتامبر ۲۰۱۳

Mina Ahadi
1775692413 (0) 0049
minnaahadi@gmail.com
minnaahadi-iran.blogspot.co.uk

stopstonningnow.com
notonemoreexecution.org
ex-muslime.de

بین المللی ارائه دهد. در این نشست همچنین به همراه سه نفر از مسئولین مرکز زاگرس برای حقوق بشر در مورد اعدامها در ایران، فشارهای غیر انسانی بر زندانیان سیاسی و معتقدین به ادیان دیگر و همچنین در مورد موقعیت کارگران زندانی به تفصیل صحبت شد. مینا احدی نامه زانیار و لقمان مرادی به سازمان ملل و همچنین نامه خانواده های ۳۶ نفر محکومین به اعدام از زندان رجایی شهر و اسامی همه کسانی که در ایران به دلیل فعالیت سیاسی به اعدام محکوم شده اند را به نماینده سازمان ملل ارائه داد.

از طرف مرکز زاگرس برای حقوق بشر نیز اسامی محکومین به اعدام و نامه هایی در مورد زندانیان سیاسی تحویل ماریانیک کوفی داده شد. در ادامه این نشست قرار شد اطلاعات در مورد نقض حقوق زنان و اعدامها در ایران در اختیار این نهاد قرار داده شود.

همچنین در این نشست در مورد ارتباط مستقیم زندانیان با کمیته علیه اعدام صحبت شد و صدای یکی از زندانیان محکوم به اعدام که زنگ زده و خواهان دخالت فوری سازمان ملل برای اعتراض به موج گسترده اعدامها در ایران شده بود، پخش شد.



روز

در همه جا ممنوع اعلام کند. این خواست کمیته بین المللی علیه سنگسار از چندین دولت نیز بوده و در آنجا گزارش داده شد که نمایندگان از دولتهای ایتالیا، هلند و اطریش قول مساعد داده اند که این درخواست را از سازمان ملل بکنند.

همچنین مینا احدی در این نشست خواهان برگزاری کنفرانس ویژه سازمان ملل در مورد موقعیت زنان در کشورهای اسلام زده شد و گفت ضرورت دارد سازمان ملل بطور ویژه در این مورد گزارش به افکار عمومی

توسط مرکز زاگرس بود. در این دیدار در مورد حملات اخیر در خیابانها به زنان در ایران و شدت گرفتن توهین و آزار و اذیت زنان در دوره به قدرت رسیدن روحانی به تفصیل صحبت شد و در مورد ضرورت اعتراض علنی و واضح سازمان ملل در مورد موقعیت زنان در ایران، قوانین ضد زن اسلامی، حجاب اسلامی و غیره صحبت شد.

یک خواست مینا احدی از سازمان ملل در این نشست این بود که سنگسار را بعنوان نمونه کامل بربریت اسلامی علیه زنان

پنجشنبه ۱۹ ماه سپتامبر در چهارچوب بیست و چهارمین کنفرانس شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، مینا احدی و سه نفر از مسئولین مرکز زاگرس برای حقوق بشر با ماریانیک کوفی از مسئولین گزارش ویژه در مورد نقض حقوق زنان از سازمان ملل در شهر ژنو دیدار و گفتگو کردند. مینا احدی و رضا مرادی به دعوت مرکز زاگرس برای حقوق بشر در بیست و چهارمین کنفرانس شورای حقوق بشر در ژنو حضور داشتند و این ملاقات یکی از برنامه های سازمان داده شده



انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی
مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود